

دکتر عبدالله شفیق آبادی

جایگاه خانواده و مدرسه

در رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان

مفهوم رشد اجتماعی

ماحصل تحقیق ایشان این است که رشد اجتماعی تعیین کننده میزان سازگاری و موفقیت فرد در تعامل با گروه‌های گوناگون و سبب مقبولیت و محبوبیت اوست. آن‌کس از رشد اجتماعی برخوردار است که اولاً خودبسا و مستقل باشد؛ و ثانیاً مسئولیت تصمیمات و اعمال خود را بپذیرد؛ ثالثاً برای افراد دیگر جامعه ارزش قائل شود و همه چیز را برای خود نخواهد؛ رابعاً به شرکت در فعالیتهای گروهی علاقه مند باشد و با دیگران همکاری کند؛ خامساً به کارها و اعمال مناسب اطرافیان توجه کند و آنها را بشناسد؛ و سادساً در مواقع ضروری راهنمایی و توصیه‌های مفید دیگران را بپذیرد و خود را از راهنمایی افراد آگاه بی نیاز نداند.

به نظر برخی محققان، ناسازگاری اجتماعی نوجوانان به طور روزافزون در تمام جوامع و به دلیل تغییر ارزشها، دگرگونی در ساختار خانواده‌ها و روابط درون خانوادگی، تضاد در آموزشهای خانه و مدرسه، برنامه‌های نامناسب و وسایل ارتباط جمعی، ناآگاهی و بدآموزی نوجوانان، فقر اقتصادی و فرهنگی و سایر عوامل ناشناخته بی شمار، در حال گسترش است (گورتس و گتی، ۱۹۷۶ م).

اهمیت خانواده و مدرسه

دارد. اولین تماس و ارتباط کودک با محیط، از طریق پدر و مادر و خواهران و برادران است و تقلید از رفتارهای آنان شیوه زندگی او را مشخص می‌سازد. چنانچه رفتار اعضای خانواده بر دوستی و محبت، پذیرش و احترام متقابل متکی باشد، کودک احساس امنیت و آرامش می‌کند و بر اثر رشد اجتماعی مطلوب و تقویب اعتماد به نفس، قدرت سازگاری بیشتری با محیط به دست می‌آورد و آماده پذیرش مسئولیت و نقشهای گوناگون اجتماعی در مراحل بعدی زندگی، می‌شود. برعکس، اگر کودک در خانواده‌ای متشنج که در آن روابط نامطلوب بین اعضا حاکم است، زندگی کند، بر اثر احساس اضطراب و ناامنی دچار عصیان، پرخاشگری و نادیده گرفتن قوانین و مقررات اجتماعی می‌شود و تعامل اجتماعی او با اطرافیان مختل می‌شود و در زندگی از ایفای نقش اجتماعی مناسب در جامعه باز می‌ماند. از این رو، زندگی کودک و نوجوان نمی‌تواند با آرامش همراه باشد، مگر آن که والدین از اوان کودکی محیطی آرام و مناسب برای آنان فراهم آورند.

بعد از خانواده، مدرسه در رشد اجتماعی کودک نقش به‌سزایی دارد؛ کودک با تقلید از معلم و دوستان، خود را با الگوی مطلوب همانند می‌سازد و به انجام اعمال و حرکات الگو می‌پردازد. بتدریج که دوستانی برمی‌گزیند و با آنان همبازی می‌شود، متوجه می‌شود که بعضی از آموخته‌هایش مناسب و پاسخگوی موقعیت او نیستند و باید تغییر یابند. لذا به تجربه و یادگیری روشهای جدید برقراری رابطه با دیگران می‌پردازد و به نقاط قوت و ضعف خود پی می‌برد. با حضور کودک در مدرسه، اجتماعی شدن او سریع می‌شود، روابطش با دیگران گسترش می‌یابد، و رفتارهای نامناسب او اصلاح می‌شود. (ویلدر، ۱۹۷۰ م).

بازی در رشد اجتماعی کودک پیش‌دبستانی و دبستانی مؤثر است. کودک از طریق بازی مهارت‌های اجتماعی را می‌آموزد، مشکلاتش را بروز می‌دهد، و نقش افراد گوناگون را ایفا می‌کند. رابطه کودک با معلم در رشد و سازگاری اجتماعی و عملکرد او در کارهای مدرسه تأثیر زیادی دارد. اگر معلم با کودک رفتار پذیرا و احترام‌آمیز داشته باشد، کودک متقابلاً به معلم و کلاس علاقه‌مند می‌شود و کارهای محوله را به خوبی انجام می‌دهد. از سوی دیگر، اگر رفتار معلم با کودک خشن و نامناسب باشد، کودک به معلم و کلاس بی‌علاقه می‌شود و در انجام تکالیفش قصور می‌ورزد (شفیع‌آبادی، ۱۳۷۲).

وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، میزان تحصیلات والدین، آداب و رسوم، شمار اعضای خانواده، آرزوها و ایده‌آهای والدین، از جمله عوامل مؤثر در رشد اجتماعی نوجوان هستند نوجوان باید افکار و وابستگیها و روابط دوران کودکی را رها سازد و مهارت‌های جدیدی برای برقراری رابطه با اطرافیان کسب کند. رفتار و تعامل والدین با نوجوان را می‌توان به سه صورت مورد بررسی قرار داد: ۱- والدین برنده و مستبد ۲- والدین بازنده و حمایت افراطی ۳- والدین متعادل و آزادمنش.

همانطور که در بالا گفته شد عوامل متعدد خانوادگی در چگونگی برقراری رابطه با نوجوان مؤثرند. والدینی که از زندگی زناشویی خود راضی نیستند و آنان یکدیگر را در برابر نوجوان تحقیر می‌سازند و یا حتی آنان را در مشاجره خود شرکت می‌دهند و یا در خانواده‌ای که از حضور پدر و مادر خبری نیست، رشد اجتماعی نوجوان مختل می‌شود. نتایج تحقیقاتی که در سال ۷۲ در خصوص نقش خانواده بر رشد اجتماعی کودکان انجام گرفته است، نشان می‌دهد که خانواده‌هایی که در آن عواملی چون اختلاف بین والدین، سخت‌گیری در تربیت، توقع بیش از حد از نوجوان، اعتیاد و طلاق وجود دارد، رفتارهای نابهنجار نظیر بی‌کسی، جنگ و نزاع سرقت، بزهکاری، پرخاشگری در دختران و پسران نوجوان به وفور یافت می‌شود همچنین نوجوانانی که والدین آنها از روش تربیتی و آزادی محدود استفاده می‌کنند، در مقایسه با والدینی که به روش تربیتی مستبد متوسل می‌شوند، در زمینه‌های برقراری رابطه با اطرافیان و قبول مسئولیت، رشد بیشتری دارند و همچنین نتایج به دست آمده حاکی از این است که انحرافات رفتاری فرزندان با میزان تحصیلات والدین و شمار فرزندان و اختلافات خانوادگی، نسبت مستقیم دارد.

نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

از آنچه گفته شد نتیجه می‌شود که خانواده و مدرسه در رشد اجتماعی کودک نقش مؤثر و انکارناپذیری دارند لذا برای یاری رساندن نوجوانان برای نیل به رشد اجتماعی موارد زیر توصیه می‌شود:

- ۱- برگزاری کلاسهای آموزش خانواده ۲- استفاده بهینه از امکانات صدا و سیما و جرائد و استفاده از برنامه‌های مفید علمی و عملی ۳- ایجاد تقویت برنامه‌های راهنمایی و مشاوره در مدارس، با کمک از متخصصان این فن ۴- برگزاری کلاسهای حین خدمت برای معلمان به منظور آگاهی دادن به آنها در خصوص خصوصیات نوجوانان و نحوه برخورد با آنان.